

تحليل إذن البناء على القبور بناء على الآية ٢١ من سورة الكهف من منظور الفرقين ومعارضيه

سعيد مرادى كياسرائى^١

عزت اله مولايى نيا^٢

[تاريخ الاستلام: ١٤٠١/١٠/٢٦؛ تاريخ القبول: ١٤٠١/١٢/١٩ هـ ش]

المستخلص

يستنتج من محتويات مصادر لتفسير الفرقين تحت الآية ٢١ من سورة الكهف أنه يجوز بناء مبنى وقبر على قبور الأولياء. كما أن المفسرين الشيعة ومعظم المفسرين السنة لم يشكوا في الاستدلال على جواز بناء المسجد على القبور أو بجوار قبور الصالحين من هذه الآية، وعلى هذا الأساس، حكموا صراحة أو ضمناً بجواز بناء المسجد والتبرك من قبور الأولياء. في هذه الأثناء حاول البعض نفي وإنكار هذه المسألة بالاستشهاد بعدم وجود دليل لهذه الآية، ورفض تفسير الإذن بالبناء على القبور من الآية، معتمدين على العديد من الأحاديث والتشبهت ببعض الروايات التاريخية، ولكن مع تحليل أكثر تفصيلاً للروايات الناهية والمتعارضة، تبين أنها ليست عامة ومعللة بموارد التعليل الخاصة. بالإضافة إلى ذلك، فإن عدم التواتر المعنوي لهذه الأخبار، مخالفة بعضها وتعارضها مع آيات أخرى من القرآن والمسلمات التاريخية، ومشكلاتهم السندية والنصية، تستبعد مفهوم حرمة البناء ومنعه على القبور. بناء على ذلك، فإن بناء الأضرحة للأنبياء والأولياء ليس شرعياً فقط، بل يعتبر أيضاً عملاً مستحباً. في هذا المقال، نظراً إلى اعتبار الآية ٢١ من سورة الكهف في هذه المسألة، نقدم وجهات النظر المختلفة والمتضاربة للفرقين في تفسير هذه الآية وندرس دلالتها على جواز البناء على القبور

كلمات المفتاحية: الفرقين، أصحاب الكهف، الوهابية، بناء الأضرحة، هدم القبور.

١. طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث، جامعة قم، إيران (مؤلف) saeedkia1410@gmail.com

٢. أستاذ مشارك، قسم علوم القرآن والحديث، جامعة قم، إيران molaciniya@gmail.com

بررسی جواز بنای بر قبور بر اساس آیه ۲۱ سوره مبارکه کف از منظر فریقین و مخالفان آن

سعید مرادی کیاسرائی^۱
عزت‌اله مولایی نیا^۲

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹]

چکیده

از مطالب منابع تفسیری فریقین ذیل آیه ۲۱ سوره کف، جواز ساخت بنا و بارگاه بر مزار اولیای الهی استنباط می‌شود. چنانکه مفسران شیعه و بیشتر مفسران اهل سنت در مورد استنباط جواز مسجدسازی بر قبور یا کنار قبور صالحان از این آیه تردید نداشته‌اند و بر همین مبنا، صراحتاً یا تلویحاً به جواز مسجدسازی و تبرک جستن از قبور اولیای الهی حکم داده‌اند. در این بین برخی با استناد به عدم دلالت این آیه و انکار برداشت جواز بنای بر قبور از آیه، با تکیه بر روایاتی چند و تمسک به برخی گزارش‌های تاریخی، سعی در نفی و انکار این مسئله داشته‌اند، اما با تحلیل دقیق تر روایات ناهی و مخالف، مشخص شد که عام نیستند و معلل به موارد خاص و مقید به همان موارد تعلیل هستند. علاوه بر آن، عدم تواتر معنوی این اخبار، مخالفت و تعارض برخی از آنها با دیگر آیات قرآن و مسلمات تاریخی، و اشکالات سندی و متنی آنها برداشت منع و حرمت بنا بر قبور از آنها را منتفی می‌کند. بر این اساس، ساختن حرم برای انبیا و اولیای الهی نه تنها مشروعیت دارد، بلکه از اعمال مستحب نیز به شمار رفته است. در این مقاله با توجه به اهمیت آیه ۲۱ سوره مبارکه کف در این مسئله، دیدگاه‌های متفاوت و گاه متناضی که فریقین در تفسیر و برداشت از آیه بیان کرده‌اند را مطرح و دلالت این آیه بر جواز بنای بر قبور را بررسی و تبیین می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: فریقین، اصحاب کف، وهابیت، بنای بارگاه. تخریب قبور.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) saeedkia1410@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، قم، ایران molaeiniya@gmail.com

مقدمه

اولین و مهم‌ترین منبع تشریح اسلامی قرآن کریم است که پایه همه احکام فقهی را ابتدا باید از درون آن جست؛ از این رو به صورت منطقی، باید مسئله جواز یا عدم جواز ساختن بارگاه و بنا بر قبور صالحان و اولیای الهی را در قرآن کریم بررسی کرد و در اثبات جواز ساختن بارگاه بر قبور صالحان به آن استناد کرد. از جمله آیاتی که می‌توان در بحث مشروعیت و جواز بنای بر قبور بزرگان و اولیا به آن استناد کرد، آیه ۲۱ سوره مبارکه کهف است: «وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيُعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رُبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا». چنانکه مفسران فریقین با توجه به همین دلالت‌ها و اشارات دیگر آیات قرآن بر جواز بنای بر قبور تأکید کرده‌اند، اما برخی در مقابل، به طور مطلق اشارات قرآنی درباره جواز بنای قبور را نفی کرده و معتقدند در تمام آیات قرآن کوچک‌ترین اشاره‌ای به جواز این عمل وجود ندارد و حتی امر یا تشویق به زیارت قبور هم نیامده است (رک: قلمداران، ۱۴۳۷: ۳۷۵-۳۷۶).

به دلیل مخالفت دیدگاه این گروه با نظرات غالب مفسران فریقین در بحث مشروعیت بنای بر قبور یا دست‌کم عدم مخالفت آنان با این مسئله - که مستنداتش از نظر خواهد گذشت - و همچنین عملکرد مسلمانان در طول تاریخ، برخلاف باور مخالفان^۱ این موضوع که نظرشان مستند

۱. چنانکه ابن تیمیه، از مروجان اصلی این تفکر، همه مشاهدی که بر قبور انبیا و صالحان از عامه و اهل بیت بنا شده را از بدعت‌های حرامی می‌داند که در دین اسلام وارد شده است (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۴۳۷/۲) و می‌گوید: «شیعه مشاهدی را که بر قبور ساخته، شبیه مشرکان، تعظیم می‌کند و در آنها اعتکاف انجام می‌دهند. برای آنها حج انجام می‌دهند همان‌گونه که حجاج به سوی بیت عتیق حج انجام می‌دهند» (ابن تیمیه، ۱۴۰۶: ۴۷۴/۱). وی ادعا می‌کند که «اتَّفَقَ أئِمَّةُ الْإِسْلَامِ عَلَىٰ أَنَّهُ لَا يَشْرَعُ بِنَاءُ الْمَسَاجِدِ عَلَى الْقُبُورِ وَلَا تَشْرَعُ الصَّلَاةُ عِنْدَ الْقُبُورِ بَلْ كَثِيرٌ مِنَ الْعُلَمَاءِ يَقُولُ الصَّلَاةُ عِنْدَهَا بَاطِلَةٌ». از دیگر کسانی که چنین تفکراتی را دنبال کرده و رواج داده‌اند می‌توان به شاگرد ابن تیمیه، ابن قیم جوزی (ابن قیم (۱)، ۱۴۱۸: ۴۳۶/۳، ۵۲۶؛ ابن قیم (۲)، ۱۴۱۸: ۱۳۳-۱۳۴) و همچنین محمد ناصرالدین آلبنی (آلبنی، ۱۴۰۳: ۶۸/۱) و گروه دائمی افتای وهابیان اشاره کرد که (دویش، بی‌تا: رقم ۷۲۱) از جمله کسانی هستند که نظراتی چون نظرات ابن تیمیه را رواج می‌دهند و مشاهد و گنبدها را موجب شرک و نابود کردن آنها را واجب می‌دانند.

به ادله برون قرآنی، مشتمل بر ادله روایی و سیره صحابه درباره قبر پیامبر اکرم (ص) و نیز دلیل اعتباری سد الذرائع (ساختن مسجد موجب عبادت صاحب مسجد و تعظیم قبر خواهد شد)، بنای بر قبور اعم از بیت، قبه، مسجد و مدرسه جایز شمرده شده (جزیری، ۱۴۱۹: ۶۸۹/۱) و برخی از اهل سنت (ابن حجر، بی تا: ۱۶/۲) نیز آن را مطابق سیره پیوسته مسلمانان دانسته‌اند. به این ترتیب، برای حل مناقشات درباره این موضوع که عموماً با تکیه بر روایات است و برای حل درون قرآنی آن تلاش مستقل و ویژه‌ای صورت نگرفته، ضرورت ایجاب می‌کند که در جهت اثبات و حل این موضوع با استناد به قرآن و دلایل مفسران و فقیهان، نظر نهایی در این مسئله را کشف کنیم. به جهت اهمیت هر یک از بخش‌های آیه شریفه و نیز نظرات متفاوت و گاه متضادی که محققان و مفسران فریقین درباره قسمت‌های مختلف آیه ارائه کرده‌اند، در ادامه هر بخش از آیه مذکور را به اختصار و جداگانه بررسی خواهیم کرد.

۱. نظر مفسران شیعه درباره آیه ۲۱ سوره کهف

در این بخش، عبارت‌های مهم و مورد بحث آیه را در تفاسیر شیعی بررسی خواهیم کرد.

۱-۱. «إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ»

درباره این بخش از آیه سه نظر مطرح شده است:

الف) عامل دراذ را «أَعْتَرْنَا» دانسته‌اند و معتقدند منازعت و اختلاف میان مردم شهر پس از اطلاعشان از ماجرای اصحاب کهف و چگونگی ایجاد بنا برای آنان بود (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۳۴/۱۲؛ جرجانی، ۱۳۸۷: ۳۷۰/۵).

ب) عبارت «إِذْ يَتَنَازَعُونَ» ظرف و متعلق به «اعترنا» است، یعنی موقعی مردم را بر وضع آنان آگاه ساختیم که این مردم در امر دینشان نزاع و جدال می‌کردند و در مورد بعث و قیامت با هم اختلاف داشتند (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۵۸/۲؛ کاشانی، ۱۳۶۳: ج ۱۴۶/۳).

ج) برخی هم هر دو نظر را بیان کرده و میان دو قول - اختلاف در امر معاد یا در امر اصحاب کهف و ایجاد بنا برای آنان - تفصیل قائل شده‌اند (طیب، ۱۳۶۹: ۳۴۰/۸؛ قرشی، ۱۳۷۵: ۱۹۷/۶-۱۹۸).

۲-۱. «فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا»

یعنی بعد از آنکه خداوند جان اصحاب کهف را گرفت، گروهی گفتند بنایی بر آنان بسازیم. مفسران شیعی معتقدند کسانی که این پیشنهاد را مطرح کردند، از مشرکان و کافران قوم بودند و هدفشان از ساخت و ایجاد بنا این بود که اصحاب کهف را از چشم مردم پنهان کنند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۰۹/۶-۷۱۰)؛ چنانکه گفتند بر در غار اینان ساختمانی مانند مقبره‌ها بنا کنید (تا از نظر مردم پنهان شوند) (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۵۸/۲) یا برای اینان بنیانی و صومعه‌ای بسازیم که اینان از نسب ما هستند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۳۴/۱۲؛ جرجانی، ۱۳۸۷: ۳۷۰/۵) یا بنا نهم بر ایشان دیواری که از چشم مردم پوشیده شوند تا بدان موضع ایشان را بشناسند (کاشانی، ۱۳۶۳: ۱۴۶/۳). علامه طباطبایی در این باره می‌گوید:

گویندگان این حرف مشرکین هستند، به دلیل اینکه دنبال آن، چنین نقل فرموده: «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ؛ گفتند آنهایی که بر امر ایشان اطلاع یافتند» و مراد از «بنا» بنیان برایشان است، به طوری که بعضی (مجمع البیان) گفته‌اند منظور این است که دیواری کشیده شود تا اصحاب کهف پشت آن قرار گرفته، از نظر مردم پنهان شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳/۲۶۵).

۳-۱. «رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ»

درباره این بخش از آیه، طبرسی در مجمع البیان به اقوال مختلف اشاره کرده و گفته است: «یا منظور این است که خداوند به حال آنان درباره مسائل مورد اختلاف داناتر است یا این جمله هم سخن مردم شهر است» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۰۹/۶-۷۱۰). علامه نیز معتقد است این کلام کسی

است که از علم یافتن به حال اصحاب کهف و استکشاف حقیقت حال مأیوس بوده و آن طور که باید قانع نشده بود، چون گویا بعضی از دیدن آن صحنه شبهه‌شان درباره قیامت زائل شد و آرامش خاطر یافتند و بعضی دیگر، آن طور که باید، قانع نشدند، از این رو طرفین گفته‌اند: بالاخره یا حرف ما است یا حرف شما؛ هر کدام باشد سزاوار است دیواری بر آنان بکشیم که مستور باشند خدا به حال آنان آگاه‌تر است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۶۶/۱۳).

۴-۱. «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا»

مفسران شیعه درباره این بخش از آیه معتقدند مراد از کسانی که در امر اصحاب کهف غلبه یافتند و پیشنهاد ساخت مسجد بر در غار اصحاب کهف را دادند، مؤمنان قوم بودند و پادشاه آن زمان، که یگانه پرست بود (ابن سلیمان، ۱۴۲۳: ۵۸۰/۲). آنان معتقد بودند اصحاب کهف از دین آنان هستند و باید برای آنان مسجدی بنا شود تا مردم در آنجا نماز بخوانند و به جا و مکانشان تبرک جویند (طوسی، بی تا: ۲۵/۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۰۹/۶-۷۱۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۳۳۴/۱۲؛ کاشانی، ۱۳۶۳: ج ۱۴۶/۳). علامه نیز معتقد است مراد «الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ» نقل کلام موحدان است و شاهدش این است که گفتند مسجدی بنا کنیم و نگفتند معبدی. چون مسجد در عرف قرآن محلی را گویند که برای ذکر خدا و سجده برای او مهیا شده است. قرآن بتکده یا سایر معابد را مسجد نخوانده، چنانکه خداوند در سوره حج، مسجد را در مقابل صومعه و بیع و صلوات قرار داده و فرموده: «وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ» (حج: ۴۰) (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۶۷/۱۳).

۲. نظر مفسران اهل سنت درباره آیه ۲۱ سوره کهف

مفسران اهل سنت نظر واحد و یکسانی درباره برداشت موافقت و جواز بنای بر قبور از آیه ۲۱ سوره کهف ندارند، بلکه نظرات مختلف و گاه متضادی را مطرح کرده‌اند. برخی با تمسک به

دلایلی خارج از آیه و تکیه بر روایات پیامبر (ص) یا تاریخ انبیای گذشته و بزرگان دینی مبنی بر عدم وجود بنا و بارگاه، به عدم جواز بنای بر قبور، دست کم بر اساس آیه ۲۱ کهف، قائل شده‌اند و گروهی نیز برداشت شان از آیه دلالت بر جواز ساخت بنا بر قبور بوده است. در ادامه بخش‌های مهم و مورد بحث از آیه را در تفاسیر اهل سنت بررسی خواهیم کرد.

۱-۲. «إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ»

اهل سنت درباره این قسمت از آیه و نزاعی که میان آنان شکل گرفت، اختلاف کرده‌اند. فخر رازی در تفسیر کبیر شش قول را در معنای تنازع و اختلاف در آن مطرح کرده است. این شش قول که با دیگر اقوال مفسران اهل سنت هم پوشانی دارد، در پی می‌آید:

۱. صحت بعث و چگونگی عود ارواح و اجساد در قیامت (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۴۷/۲۱)؛

زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۱۱/۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۷۴/۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۷۷/۳)؛

۲. اختلاف مردم هنگام وقوف بر حال اصحاب کهف (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۴۷/۲۱)؛

۳. اختلاف درباره ایجاد بنا و سد باب کهف و ساخت مسجد؛ گروهی معتقد بودند نباید

کسی بر حال آنان واقف شود و باید سد باب صورت گیرد و گروهی هم ساخت مسجد را

بر در غار پیشنهاد کردند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۴۷/۲۱؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱۸۵/۳؛ ثعلبی، ۱۴۲۲:

۱۶۲/۶؛ طبرانی، ۲۰۰۸: ۱۶۴/۴)؛

۴. اختلاف بر سر اعتقاد اصحاب کهف (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۴۷/۲۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۷۴/۳)؛

۵. اختلاف بر سر مسئله مکث و مدت حضور اصحاب کهف در غار (فخر رازی، ۱۴۲۰:

۴۴۷/۲۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۷۴/۳)؛

۶. اختلاف بر سر تعداد و اسامی اصحاب کهف (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۴۷/۲۱؛ ابن جوزی،

۱۴۲۲: ۷۴/۳).

۲-۲. «فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا»

مفسران درباره این بخش از آیه و پیشنهاد دهندگان ساخت بنا گفته‌اند که مشرکان (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۶۲/۶؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱۸۵/۳) یا کافران (دینوری، ۱۴۲۴: ۴۷۱/۱) چنین پیشنهادی را مطرح کردند؛ چراکه می‌گفتند آنان بر دین ما (دینوری، ۱۴۲۴: ۴۷۱/۱) یا سنت ما (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۶۲/۶) یا از نسب ما (بغوی، ۱۴۲۰: ۱۸۵/۳) هستند و ما باید عهده‌دار ساخت بنا برای آنان باشیم. هدف آنان از ایجاد بنا و بستن دهانه غار این بود که آنان را از نظرها پنهان کنند (جزایری، ۱۴۱۶: ۲۴۸/۳؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱۳۳/۵، ۵۰۷)؛ چنانکه گفته شده، کسی که پیشنهاد ساختمان را داد کافر از دنیا رفت و با این عمل می‌خواست مرکزی برای کفر خود بسازد (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱۵۸/۷). زمخشری معتقد است هدف آنان از ایجاد مانع و پنهان کردن اصحاب کهف این بود که «لئلا يتطرق إليهم الناس ضنا بتربتهم ومحافظة عليها كما حفظت تربة رسول الله بالحظيرة» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۱۱/۲).

۳-۲. «قَالَ الَّذِينَ عَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا»

بیشتر مفسران برجسته اهل سنت قائل‌اند کسانی که بر امر اصحاب کهف غلبه یافته و پیشنهاد ساخت مسجد برای عبادت و همچنین تبرک جستن از آن مکان را دادند، از موحدان و مسلمانان آن زمان بودند؛ هر مفسر به طریقی این مطلب را تأیید کرده است. فخر رازی می‌نویسد:

این گروه که پیشنهاد ساختن مسجد را دادند پادشاه مسلمان بود و برخی گفته‌اند طرفداران اصحاب کهف بودند. برخی نیز گفته‌اند آنان که پیشنهاد مسجد را دادند، رؤسای شهر بودند تا در آنجا عبادت کرده، آثار اصحاب کهف را به سبب آن مسجد باقی بگذارند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۴۷/۲۱)

زمخشری نیز پیشنهاد دهندگان ساخت مسجد در کنار جایگاه اصحاب کهف را از مسلمانان و مؤمنان دانسته است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۱۷/۲). طبری نیز به دلایل هر یک از دو گروه در ایجاد بنا اشاره کرده و معتقد است هدف مشرکان از ایجاد ساختمان بر قبر اصحاب کهف، استنادشان به این بوده که آنان فرزندان اجدادشان بوده‌اند و در آنجا خدا را عبادت می‌کردند. او هدف مسلمانان را از ساخت مسجد بر قبر اصحاب کهف، مؤمن و موحد دانستن آنان و همچنین ایجاد محلی برای عبادت در آنجا دانسته است (طبری، ۱۴۱۲: ۲۷۸/۱۵).

شوکانی در فتح القدير پس از بیان دو قول در این باره، به بحث ساخت مسجد اشاره می‌کند و می‌گوید: «کسانی که بر امر اصحاب کهف غلبه یافتند، از مسلمانان بوده‌اند و این نظر صحیح است» (شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۲۸/۳-۳۲۹).

ثعلبی در تفسیر خود از آیه، تعبیر شوکانی را دارد (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۶۲/۶). طبرانی گروه غالب در تنازع را جزء رؤسای قوم و کسانی می‌داند که هدفشان از ایجاد بنای مسجد، عبادت و پرستش خدای متعال بوده است (طبرانی، ۲۰۰۸: ۱۶۴/۴).

برخی دیگر از مفسران اهل سنت نیز به دلایل و هدف این سخن اشاره و نکات مهمی را در این زمینه بیان کرده‌اند (رک: نسفی، ۱۴۱۶: ۱۸/۳؛ ابو حیان، ۱۴۲۰: ۱۵۹-۱۵۸/۷؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۵۰۷/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۳۴/۵؛ خفاجی، ۱۴۱۷: ۱۵۲/۶).

۳. نظرات مخالفان جواز بنا بر قبور

- دلایلی که در نفی جواز بنای بر قبور ذیل آیه ۲۱ سوره کهف مطرح شده، ناظر بر دو بخش است:
۱. استناد به عدم دلالت آیه مذکور در جواز بنا بر قبور و نفی هرگونه اشاره قرآنی به این مسئله؛
 ۲. استناد به روایات به صورت خاص و بی‌توجهی به قرائن تفسیری در این جهت.

۳-۱. استناد به قرائن تفسیری

مخالفان معتقدند درباره تعظیم مشاهد و اینکه اساسی در قرآن دارد یا خیر، به غیر از یک آیه متشابه (کهف: ۲۱) دلیل دیگری وجود ندارد، در حالی که در امور عظیمی مانند آن به متن صریح تکرار شده نیاز است؛ همان طور که در مورد قرآن به همین صورت است. از طرفی بنا بر قبور اصحاب کهف از عبارت «الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ» که جمله امرای آن قوم بوده دلالت می‌کند که این حکم از مصدر تشریح صادر نشده و حکم شرعی نبوده است، بلکه از لحن ستمگرانه و مستبدگونه آنان (لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا) پیدا است که بدون در نظر گرفتن رأی یا دلیل به چنین امری تأکید می‌کنند (عبدالقادر، ۱۴۳۳: ۱۷۶/۶). البانی، حدیث شناس معاصر، در تحذیر الساجد جمله «غلبوا...» را به معنای قدرت نظامی گرفته که طایفه نخست بر اساس آن پیروز شده بودند و معتقد است: «عمل و کردار آنان برای ما حجت نیست» (البانی، ۱۴۰۳: ۵۵). برقی نیز معتقد است گروه اول که گفتند: «رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ؛ خدایشان به حالشان آگاه‌تر است» (کهف: ۲۱)، در نظر خود حق را یاد کردند و نام مبارک خداوند را آوردند، اما گروه دوم (معتقدان به ساخت مسجد) در نظر خود به هیچ دلیل شرعی تمسک نکردند و فقط مستبدانه بر عملی کردن نظر خویش اصرار کردند. ثانیاً در آیه لفظ «مسجد» آمده و نفرموده: «لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ قَبَّةً وَضَرِيحًا وَمِزَارًا» (برقی، ۱۴۲۷: ۹۱).

گروه دائمی افتای وهابیان درباره منع ساخت مساجد بر مزارها گفته‌اند که چنین عملی راهی است برای عبادت غیر خدا و آیه مذکور دلیلی بر ساخت بنا بر قبور نیست، بلکه صرف حکایت گذشته و فعلی است که مردم انجام می‌دادند که ادله شرعی خلاف آن است و بر ذم چنین عملی دلالت دارد (دویش، بی تا: ۴۶۷/۱). همچنین گفته‌اند از آنجا که ماجرای اصحاب کهف مربوط به فاصله بین حضرت عیسی (ع) و پیامبر اسلام (ص)

است و همین طور که قرائن تاریخی نیز این را تأیید می‌کند، هر دو گروهی که قصد داشتند بر این قبر مسجد بنا کنند یا دور آن را دیوار بکشند، مسیحی بوده‌اند و چنانکه در آیه آمده، گروهی که غالب بودند (قدرتمندان قوم) قصد داشتند آنجا را محل عبادت قرار دهند. آنان عملی را دنبال می‌کردند که رسول خدا(ص) لعن فرموده است. ضمن اینکه خداوند کار گروه اول را رد نکرده، بلکه ابتدا نظر آنان را نقل کرده و از قول آنان گفته که پروردگارشان به آنان آگاه‌تر است!

۳-۲. استناد به روایات

برخی استناد فقها به آیه ۲۱ کهف در بحث جواز ساخت و بنای مسجد بر قبور را باطل دانسته‌اند و معتقدند حتی با فرض پذیرش اینکه هدف آنان انجام امور مربوط به احکام شرع، از جمله نماز و دعا، در آن مکان باشد، باز هم در شرع ما عملی ممنوع و حرام است؛ چنانکه رسول خدا(ص) فرمودند: «لَعَنَ اللَّهُ زَائِرَاتِ الْقُبُورِ وَالْمُتَّخِذِينَ عَلَيْهَا الْمَسَاجِدَ وَالشُّرُجُو» (جمعی از علما، ۱۴۱۴: ۳۵۶/۵-۳۵۷). جزایری نیز پیشنهاد مؤمنان قوم در ساخت مسجد را مصداق لعن رسول خدا(ص) دانسته و شواهدی را از روایات ذکر کرده است (جزایری، ۱۴۱۶: ۲۴۸/۳). سید قطب درباره نظر گروهی که پیروان پادشاه آن زمان بودند و بر ساخت مسجد تأکید داشتند، می‌نویسد:

امروزه گروهی از مسلمانان به تقلید از یهود و نصارا و همچنین برخلاف راهنمایی‌های رسول خدا(ص) که فرمودند: «لعن الله اليهود والنصارى، اتخذوا قبور أنبيائهم وصالحيهم

۱. برای مطالعه بیشتر رک: ابوبکر بن حسین، «داستان اصحاب کهف جواز ساختن بنا بر قبور را می‌دهد»، در islamtxt.net.

مساجد؛ خدا لعنت کند یهود و نصارا را که قبور انبیا و صالحان خود را مسجد قرار دادند»، عقیده به ساخت بنا بر قبور دارند (سید قطب، ۱۴۲۵: ۲۲۶۴/۴-۲۲۶۵). مؤلف تفسیر محاسن التأویل در اشکالی به ابن کثیر و تردید وی درباره اینکه آیا آنان که صاحب نفوذ و از مؤثران جامعه بودند و پیشنهاد ساخت مسجد را داده‌اند قابل ستایش و تکریم هستند یا خیر، می‌گوید:

پیامبر (ص) فرمودند: «لعن الله الیهود و النصارى، اتخذوا قبور انبیائهم و صالحیهم مساجد یحذر ما فعلوا». این تردید در غیر قابل ستایش بودن آنها، با توجه به حدیث صحیحی که ابن کثیر پس از آن ذکر کرده، عجیب است؛ چراکه لعن فاعل چنین عملی مسجل است و این بزرگ‌ترین چیزی است که خشم، کراهت و نفرت الهی را موجب می‌شود و باب شرک را می‌گشاید. آیا عبادت و پرستش بت‌ها غیر از این است؟ (قاسمی، ۱۴۱۸: ۱۶/۷).

ابن عاشور نیز درباره نظر کسانی که قصد داشتند مسجدی بنا کنند می‌گوید: «چنین عملی جزء سنت‌های نصرانیت بوده و اگر هم برای آنان مشروعیت داشته، اسلام آن را لغو کرده است. رسول خدا (ص) نیز در حدیثی از این کار نهی فرمودند: «ولولا ذلك لأبرز قبره» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۴۳/۱۵).

قبل از بررسی و نقد اشکالات مخالفان جواز بنا بر قبور، به سراغ نقاط اشتراک و افتراق مفسران فریقین می‌رویم.

۴. نقاط اشتراک و افتراق فریقین در تفسیر آیه

گروهی از مفسران اهل سنت، هم‌نظر با بیشتر مفسران شیعه، در مورد استناد به آیه مذکور

بررسی جواز بنای بر قبور بر اساس آیه ۲۱ سوره مبارکه کهف از منظر فریقین و مخالفان آن / ۲۴۷

بر جواز مسجدسازی بر قبور یا کنار قبور صالحان تردید ندارند، چنانکه برخی به این مطلب تصریح کرده (خفاجی، ۱۴۱۷: ۱۵۲/۶) و برخی نیز پیشنهاد ساخت مسجد در این آیه را جهت عبادت در آن و تبرک جستن به مکان اصحاب کهف مطرح کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۴۷/۲۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۱۱/۲)؛ چراکه نظر صحیح را بر آن دانسته‌اند که چنین عملی از سوی طایفه موحدان و مسلمانان صورت گرفته (شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۲۸/۳-۳۲۹؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۶۲/۶؛ نسفی، ۱۴۱۶: ۱۸/۳) و ممانعت از ساخت مسجد بر قبور مختص به مشرکان است (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱۵۸/۷-۱۵۹؛ نسفی، ۱۴۱۶: ۱۸/۳).

بر این اساس، چنانکه پیش‌تر نیز اشاره شد، بیشتر مفسران فریقین در بحث جواز بنای بر قبور و ساخت مسجد، بر اساس آیه مورد بحث، اختلاف چندانی ندارند و مخالفت با این معنا در این تفاسیر تنها بر اساس روایات نبوی درباره منع ساخت بنا بر قبور است. این مسئله نشان می‌دهد که از آیه شریفه دلالتی بر عدم جواز ساخت بنا بر قبور کشف نمی‌شود و دلیل مخالفان برای منع، ادله برون قرآنی است که مشتمل است بر ادله روایی، سیره صحابه درباره قبر پیامبر اکرم (ص)، و دلیل اعتباری سد الذرائع (ساختن مسجد موجب عبادت صاحب مسجد و تعظیم قبر خواهد شد). بنابراین می‌توان نقطه اشتراک بیشتر مفسران فریقین را استناد نکردن به آیه شریفه برای منع جواز بنای بر قبور دانست و نقطه افتراق آنان را استفاده مفسران اهل سنت از روایات نبوی برای منع جواز بنای بر قبور.

۵. نقد دلایل مخالفان جواز بنای بر قبور

در این قسمت اشکالات ناظر بر دو بخش مورد استناد، یعنی قرائن ناظر بر آیه مذکور و استناد به روایات، را بررسی خواهیم کرد.

۱-۵. قرائن تفسیری

آیات مختلفی از قرآن با مضامین گوناگون وجود دارند که می‌توان از آنها حکم جواز یا استحباب زیارت قبور اولیای الهی را به دست آورد (رک: نور: ۳۶؛ توبه: ۸۴). همچنین بنا بر شواهد و دلالت‌های تاریخی متعدد، ایجاد قبور و ساخت بنای بر آنها در دوران رسول خدا (ص) نیز وجود داشته (رک: بلاذری، ۱۴۱۷/۱: ۵۴۳؛ واقدی، بی تا: ۳۱۳/۱) و ایشان متعرض آن بناها نشده و دستور به تخریب آنها نداده‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ۱۰۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۱/۱۸)؛ اما در اینجا متعرض آن مباحث نمی‌شویم و بحث را فقط معطوف به دلالت‌های آیه ۲۱ سوره مبارکه کهف در جواز بنای بر قبور پیش می‌بریم.

در آیه ۱۳ سوره مبارکه کهف، «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى؛ ما سرگذشت آنها (اصحاب کهف) را به حق و راستی بر تو بازگو می‌کنیم: همانا آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم»، کلمه «بِالْحَقِّ» تأکید دارد که خداوند قصد دارد داستان اصحاب کهف را مطابق با حق برای پیامبر بازگو کند؛ بنابراین باید ملاحظه شود که خداوند متعال چه داستانی را برای رسول خود بیان می‌کند. یکی از آن حقایق می‌تواند آیه ۲۱ همین سوره مبارکه باشد که به روشنی بر اصل ساخت بنا و بارگاه از سوی مؤمنان قوم بر قبور نیک‌مردانی از همان قوم دلالت دارد، آن را مشروع می‌داند و ترک این عمل را مذموم و از اعمال کفار معرفی می‌کند.

علاوه بر تفاسیر شیعه، مفسران بزرگ اهل سنت نیز تصریح دارند که این آیه (کهف: ۲۱) دلیل بر جواز و مشروعیت بنای بر قبور بزرگان و اولیا است. مفسران بزرگ اهل سنت معتقدند گروه غالب که پیشنهاد بنای مسجد را مطرح کردند از مؤمنان قوم بودند و هدفشان عبادت و بزرگداشت آن مکان و جلوگیری از فراموش شدن یاد و خاطره آن موحدان بود (رک: طبری، ۱۴۱۲: ۲۷۸/۱۵)؛

بررسی جواز بنای بر قبور بر اساس آیه ۲۱ سوره مبارکه کهف از منظر فریقین و مخالفان آن / ۲۴۹

زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۱۷/۲). به باور زحیلی، طایفه غالب در امر و کسانی که قصد سد باب کهف را داشتند، مؤمنانی بودند که هدفشان اقامه صلاة و تبرک به مکان اصحاب کهف بود (زحیلی، ۱۴۲۲: ۱۴۱۴/۲). برخی از مفسران اهل سنت نیز همین نکته را یادآور شده‌اند (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳۴۲/۲؛ شیخ علوان، ۱۹۹۹: ۴۷۵/۱).

بر این اساس، هدف موحدان از مسجد قرار دادن مدفن اصحاب کهف (لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا) جز این نبود که فرائض خود را در آنجا انجام دهند (سبحانی، ۱۳۸۰: ۱۳۴). تقریباً همه مفسران و متکلمان اهل سنت اتفاق نظر دارند که گروه غالب و پیروز (الذین غلبوا علی امرهم) از مؤمنان و موحدان قوم بوده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷: ۷۱۷/۲؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۷۸/۱۵؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۳۲۹-۳۲۸/۳؛ واحدی، ۱۴۱۶: ۶۵۷/۲ و...) و در مقابل گروه کافر که هدفشان مخفی کردن اصحاب کهف و از یاد بردن این واقعه بوده، می‌ایستند و بر ساخت مسجد که محل عبادت و راز و نیاز و تقرب به خداست تأکید می‌کنند؛ حال چگونه می‌شود که عمل این گروه نکوهیده و مذموم باشد؟ آیه ۲۱ سوره مبارکه کهف تصریح می‌کند مؤمنانی که نظر نهایی را در مورد قبور اصحاب کهف اعلام کردند، مصمم شدند که در مجاورت این قبور، مسجدی بنا کنند و چنین تصمیمی را قرآن نکوهش نکرد، حال آنکه اگر نظر این گروه خلاف دین بود، قرآن آنان را توبیخ می‌کرد؛ چراکه صحیح نیست خداوند نشانه شرک را از گروهی نقل کند بدون آنکه به تلویح یا به تصریح از آن انتقاد کند. خداوند در قرآن کریم وقتی یکی از اعمال و رفتار زمان جاهلیت یا مسیحیان و یهودیان یا حتی گاهی رفتار یکی از انبیا را مطرح می‌کند، برای آنکه از دستورات الهی محسوب نشود متذکر می‌شود (رک: یونس: ۹۱-۹۰؛ یوسف: ۶۸؛ حدید: ۲۷).

در پاسخ عده‌ای که معتقدند «لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَسْجِدًا» جمله امرای آن قوم بوده و از مقام تشریح صادر نشده است و دلالت بر لحن ستمگرانه و مستبدگونه دارد (رک: البانی، ۱۴۰۳:

۵۵؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۱۳۴/۵؛ عبدالقادر، ۱۴۳۳: ۱۷۶/۶) باید گفت چنین سخنی به هیچ وجه پذیرفتنی نیست و نظر بیشتر مفسران اهل سنت، که از نظر گذشت، نیز غلبه موحدان و مؤمنان قوم- یعنی گروهی که پیشنهاد ساخت مسجد را دادند- بر اساس حجت دینی دانسته شده، نه بر مبنای زور و غلبه نظامی.

۲-۵. قرائن روایی

مدعیان حرمت ساخت بنا بر قبور که نتوانستند از آیات شریفه قرآن برای منع این عمل و مستند ساختن دیدگاه خود حجتی بیاورند، به روایات و احادیثی متمسک شدند که ذره‌ای بر معانی مورد نظر آنان دلالت ندارد و حتی هم مسلکانشان از اهل سنت^۱ نیز خلاف نظر آنان را ابراز کرده‌اند و با تحلیل دقیق‌تر روایت‌های نهی از مسجد قرار دادن قبور و دیگر احادیث مورد استناد در این زمینه، بر این باورند که نهی در این روایت‌ها عام نیست، بلکه معلل به موارد خاصی بوده و حکم معلل نیز مقید به همان موارد تعلیل است (رک: غماری، ۱۴۲۹: ۱۴-۱۵). ابن خطیب در تفسیر خود سخن اکثریت غالب که گفتند: «لَتَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا» را دلیل قاطعی بر جواز ساخت مساجد بر قبور می‌داند و می‌گوید:

بر خلاف آنچه برخی غلات بر اساس برخی روایات به ظاهر صحیح در مقابل این قول می‌گویند- همچون روایاتی که ابوداود و ترمذی از ابن عباس آورده‌اند مبنی بر اینکه «لعن رسول الله زوارات القبور، و المتخذین علیها المساجد والسرچ؛ رسول خدا(ص) زنانی که به زیارت قبور می‌روند و کسانی که بر قبرها مسجد بنا می‌کنند و روی آنها چراغ

۱. توجه به این نکته ضروری است که نباید اهل سنت واقعی را با وهابیت و اندیشه‌های انحرافی این فرقه در بسیاری از مباحث و موضوعات در یک جایگاه قرار داد و مقایسه کرد.

می‌گذارند را لعن و نفرین کرد»- باید آن را منع سجده بر مزارها یا نماز بر آن تفسیر کرد؛ برای اینکه حدیث نمی‌تواند دلالت صریح قرآن را نفی کند (ابن خطیب، ۱۹۶۴: ۳۵۴/۱). بسیاری از شارحان صحیح بخاری و مسلم نیز حدیث را به گونه‌ای که معنا شد، تفسیر کرده‌اند. (رک: قسطلانی، ۱۳۲۳: ۴۳۷/۲-۴۳۸؛ سندی، ۱۴۰۶: ۴۱/۲).

برخی دیگر نیز متوجه این نکته شده و بیان کرده‌اند که این روایات با بنای مسجد در کنار قبور و تبرک به آنها منافاتی ندارد و مراد از روایات ذم و لعنت یهود و نصارا برای ایجاد بنا بر قبور صرفاً به معنای کراهت و نهی از تعمیر و تخصیص و تجدید قبور و نهی از سجده به سوی قبرها است (پانی‌پتی، ۱۴۱۲: ۲۳/۶-۲۴). بنابراین اگر مسجدی در جوار قبری بنا شود و قبله‌اش به طرف کعبه باشد، نه قبر موجود، هیچ دلیلی بر حرمت آن نداریم. چنانکه اکثر تفاسیر و شروح حدیث اذعان دارند که منهی عنہ (یعنی آنچه از آن نهی شده و خداوند به خاطر آن یهود و نصارا را لعن کرده) قبله قرار دادن قبر برای تبرک است، نه ساختن مسجد (دمیاطی، ۱۴۱۸: ۲۲۷/۱).

نکته دیگر آنکه مفاد این روایات باید در حد تواتر معنوی باشند؛ بنابراین اگر برخی از این روایات معنایی را افاده کند و برخی دیگر معنای دیگر را، به گونه‌ای که نتوان بین آنها قدر متیقن «حرمت مسجدسازی بر قبر» را استفاده کرد، نسخ آیه با این روایات منتفی خواهد شد (نजारزادگان، ۱۳۸۳: ۳۷۷-۳۷۸). از طرفی نیز برخی از این روایات با آیات دیگر قرآن و مسلمات تاریخی که در پی اثبات جواز ساخت بنا بر قبور هستند، تعارض دارند.

بر این اساس، مخالفان ساخت بنا بر قبور غیر از روایات دلیل دیگری، چون دلیل قرآنی یا تاریخی، در مذمت این عمل ندارند. از جهت سندی و متنی نیز این دسته از روایات برای منع و حرمت بنا بر قبور قابل استناد نیستند؛ چراکه طبق اجماع شیعه و بنا بر قول بیشتر علمای اهل سنت، با خبر واحد نمی‌توان مفاد آیه را نسخ کرد و اخباری که دلالت بر

منع می‌کنند باید متواتر باشند (همان). نتیجه آنکه میان اخبار وارده که نهی از سجده بر قبر یا به سمت قبر داشت با آیه مذکور که دلالت بر ساخت مسجد بر قبور صالحان داشت تعارضی وجود ندارد و می‌توان بر قبر مسجد ساخت و در عین حال بر قبر سجده نکرد و به سمت قبر نماز نخواند. همچنین اگر آیه شریفه جواز ساختن مسجد در کنار قبر (و نه بر قبر) کشف شود، همان‌گونه که برخی از اهل سنت احتمال داده‌اند (رک: آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۴۶/۹)، در این صورت نیز بین دلالت آیه با دلالت روایات تعارض وجود نخواهد داشت (نجارزادگان، ۱۳۸۳: ۳۷۷-۳۷۸).

نتیجه

طبق آیه ۲۱ سوره کهف، حرم ساختن برای انبیا و اولیای الهی مشروعیت دارد و قرآن کریم به آن اشاره کرده است. چنانکه شواهد و قرائن تاریخی و سیره پیوسته مسلمانان نیز در طول تاریخ در این قضیه ظهور دارد. از این رو بنا بر اتفاق نظر مفسران فریقین، از این آیه می‌توان دلیل بر جواز مشروعیت بنا بر قبور بزرگان و اولیا را به دست آورد. علاوه بر آن، خالی بودن آیات قرآن و دیدگاه مفسران و مورخان از هرگونه نقد و اعتراض در این خصوص را می‌توان تأیید این مسئله دانست. در میان مفسران اهل سنت در این مسئله نظر واحد و یکسانی در موافقت با بنای بر قبور بر مبنای آیه ۲۱ سوره کهف وجود ندارد، اما بیشتر آنان هم نظر با بیشتر مفسران شیعه در بحث جواز مسجدسازی بر قبور یا کنار قبور صالحان از این آیه تردید ندارند و برخی بر مبنای همین آیه، به صراحت فتوا بر جواز مسجدسازی و همین‌طور تبرک به مکان اصحاب کهف داده‌اند.

تنها دلیل قابل طرح و اشکال مخالفان جواز بنا بر قبور تمسک به دلایلی خارج از آیه و تکیه بر روایات پیامبر (ص)، سیره صحابه درباره قبر پیامبر اکرم (ص) و نیز دلیل اعتباری سد الذرائع است. روایات مورد استناد مخالفان جواز بنا بر قبور، که فقط بر نهی از سجده بر قبر یا به سمت قبر دلالت دارند، با مفاد آیه شریفه متعارض نیستند. علاوه بر اینکه برخی از این روایات با آیات دیگر قرآن و مسلمانات تاریخی تعارض دارند که موجب ساقط شدنشان می‌شود.

سخن نهایی آنکه ظاهر آیه ۲۱ سوره کهف بر امضای سکوتی قرآن درباره جواز ساختن مسجد بر قبر یا کنار قبر صالحان دلالت دارد و با امضای قرآن، ادله دیگر اعتباری نخواهند داشت. بر اساس آیه مذکور، ساختن حرم برای انبیا و اولیای الهی نه تنها مشروعیت دارد، بلکه از اعمال مستحب به شمار رفته است و عموم مفسران فریقین به چنین حکمی صراحتاً یا تلویحاً اعتراف کرده‌اند.

کتاب نامه

- ابن سلیمان، مقاتل (١٤٢٣ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن خطیب، محمد عبداللطیف (١٩٦٤م)، أوضح التفاسیر، بی جا: المطبعة المصرية.
- ابن قیم الجوزیه (١٤١٨ق)، زاد المعاد (١)، بیروت: مؤسسه الرساله.
- _____ (١٤١٨ق)، الجواب الکافی (٢)، مغرب: دار المعرفة.
- ألبانی، محمد ناصرالدين (١٤٠٣ق)، تحذیر الساجد من اتخاذ القبور مساجد، بیروت: المكتب الإسلامی.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (١٤٠٨ق)، روض الجنان و روح الجنان، مشهد: آستان قدس.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (١٤١٩ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابوحیان، محمد بن یوسف (١٤٢٠ق)، البحر المحيط فی التفسیر، بیروت: دار الفکر.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (١٤٢٢ق)، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن عاشور، محمد طاهر (١٤٢٠ق)، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب (١٤٢٢ق)، المحرر الوجیز، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (١٤١٥ق)، روح المعانی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بغوی، حسین بن مسعود (١٤٢٠ق)، تفسیر البغوی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (١٤١٨ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بلاذری (١٤١٧ق)، أنساب الاشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زکلی، بیروت: دارالفکر.
- پانی پتی، ثناءالله (١٤١٢ق)، التفسیر المظهری، کویته: مکتبه رشديه.
- ثعلبی، احمد بن محمد (١٤٢٢ق)، الكشف و البیان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جزایری، ابوبکر جابر (١٤١٦ق)، ایسر التفاسیر؛ عربستان: مکتبه العلوم و الحكم.
- جمعی از علما (١٤١٤ق)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، مصر: بإشراف مجمع البحوث الإسلامیه بالأزهر، هیئته العامه لشئون المطابع الأمیریة.
- خفاجی، احمد بن محمد (١٤١٧ق)، عناية القاضی و كفاية الراضی، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- دمیاطی، سید البکری (۱۴۱۸ق)، إعانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین، بیروت: دار الفکر.
- دینوری، عبدالله بن محمد (۱۴۲۴ق)، الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- دویش، أحمد بن عبد الرزاق (بی تا)، فتاوی اللجنة الدائمة-المجموعة الأولى، ریاض: رئاسة إدارة البحوث العلمیة والإفتاء- الإدارة العامة للطبع.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، الکشاف، بیروت: دار الکتب العربی.
- زحیلی، وهبه (۱۴۲۲ق)، التفسیر الوسیط، دمشق: دار الفکر.
- سندی، نورالدین بن عبد الهادی (۱۴۰۶ق)، حاشیة السندی علی النسائی، تحقیق عبد الفتاح أبوغدة، حلب: مکتب المطبوعات الإسلامیة.
- سمرقندی، نصر بن محمد (۱۴۱۶ق)، تفسیر السمرقندی، بیروت: دار الفکر.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۰ش)، آیین وهابیت، تهران: مشعر.
- شوکانی، محمد (۱۴۱۴ق)، فتح القدير، دمشق: دار ابن کثیر.
- شیخ علوان، نعمة الله بن محمود (۱۹۹۹م)، الفواتح الإلهیة و المفاتيح الغیبیة، قاهره: دار رکابی للنشر.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، تفسیر القرآن العظیم، اربد: دار الکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
- عبد القادر، علوی (۱۴۳۳ق)، موسوعة الفرق المنتسبة للإسلام، بی جا: موقع الدرر السنیة علی الإنترنت .dorar.net.

- غماری، احمد بن محمد بن صدیق (١٤٢٩ق) احیاء المقبور...، مصر: مكتبة القاهرة.
- فخر رازی، محمد بن عمر (١٤٢٠ق)، التفسیر الكبير، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- قرشی، علی اکبر (١٣٧٥ش)، احسن الحديث، تهران: بنیاد بعثت.
- قاسمی، جمال الدین (١٤١٨ق)، تفسیر القاسمی، تحقیق عیون سود، محمد باسل، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- سید قطب (١٤٢٥)، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
- قسطلانی، شهاب الدین (١٣٢٣ق)، إرشاد الساری، مصر: المطبعة الكبرى الأمیریة.
- کاشانی، فتح الله (١٣٦٣ش)، تفسیر خلاصه منهج الصادقین، تهران: اسلامیة.
- مفید، محمد بن محمد (١٤١٣ق)، الإختصاص، تحقیق/تصحیح علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرنندی، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.
- مجلسی، محمد باقر (١٤٠٣ق)، بحار الأنوار، تحقیق/تصحیح جمعی از محققان. بیروت: دار احیاء التراث.
- نسفی، عبدالله بن احمد (١٤١٦ق)، تفسیر النسفی، بیروت: دار النفائس.
- نجارزادگان، فتح الله (١٣٨٣ش)، تفسیر تطبیقی، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- واقدی، محمد بن عمر (بی تا)، المغازی، تحقیق مارسدن جونز، بیروت: بی نا.